



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

روایت‌های ابومخنف در تاریخ طبری عصر خلفای راشدین (پژوهشی نقادانه)

یحیی بن ابراهیم بن علی الیحیی

ترجمه

میثم کرمی

طلعت ده‌پهلوان

محمدعلی کاظمی تبار

نگارخانه

مجموعه کتابخانه
مجموعه اسناد
مجموعه خطی
مجموعه چاپی
مجموعه دیجیتال

کتابخانه ملی
اسناد و کتابخانه ملی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
تهران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

روایت‌های ابومخنف در تاریخ طبری عصر خلفای راشدین (پژوهشی نقادانه)

یحیی بن ابراهیم بن علی البجی

ترجمه: میثم کرمی، طلعت ده‌پهلوان، محمدعلی کاظمی تبار

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسَم الرسام

صفحه آرای: رقیه تیموری

لیتوگرافی: نوید

چاپ: پیکان

چاپ اول: ۱۴۰۱ شماره‌گان: ۵۵۰

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۲۱۴-۸

سرشناسه

عنوان قراردادی

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

: البجی، یحیی بن ابراهیم
: مر ویات ابی مخنف فی تاریخ الطبری: عصر الخلافة الراشدة، دراسة نقدية. فارسی
: روایات ابومخنف در تاریخ طبری: عصر خلفای راشدین (پژوهشی نقادانه) /
یحیی بن ابراهیم بن علی البجی؛ ترجمه میثم کرمی، طلعت ده‌پهلوان (عضو هیات علمی دانشگاه
رازی)، محمدعلی کاظمی تبار (عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان).

: تهران: نگاه معاصر، ۱۴۰۱.

: ۴۰۴ ص؛ ۱۴/۵ + ۲۱/۵ س.م.

: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۲۱۴-۸

: فیبا

: کتابنامه: ص. [۳۸۷] - ۳۹۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

: عصر خلفای راشدین «پژوهشی نقادانه».

: اسلام - تاریخ - متون قدیمی تا قرن ۱۴

Islam - History - Early works to 20th century
خلفای راشدین

Caliphs, Orthodox*

: ابو مخنف، لوط بن یحیی، -۱۵۷ق.

Abi Mikhnaf, Luṭ ibn Yaḥyá:

: کرمی، میثم، ۱۳۶۰، مترجم

: ده‌پهلوان، طلعت، ۱۳۶۴، مترجم

: کاظمی تبار، محمدعلی، ۱۳۵۱، مترجم

: DS ۳۵ / ۶۳

: ۹۰۹/۰۹۷۶۷۱

: ۹۰۳۴۸۷۶

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی - تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹

پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

بایاد:

استاد محمّد محمّدی ملایری (۱۲۹۰ - ۱۳۸۱)

با احترام به کتاب:

تاریخ و فرهنگ ایران "در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی"

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۴	ملاحظات مهم برای پژوهشگر تاریخ
۱۶	طبری و رویکرد او در تاریخش
۲۳	باب اول ابومخنف و روایات او در مورد خلافت ابوبکر و عمر و عثمان ...
۲۵	فصل اول: ابومخنف لوط بن یحیی
۲۵	نسب و محل تولد وی:
۲۵	ولادتش
۲۷	خانواده او
۳۰	کوفه وطن ابومخنف
۳۱	جایگاه علمی کوفه
۳۳	کوفه و تشیع
۳۷	عقیده ابومخنف
۳۹	سخنان علما در مورد ابومخنف
۴۱	تالیفات وی
۵۰	منابع ابومخنف
۷۳	شیوخ ابومخنف در تاریخ طبری

- فصل دوم: روایات ابومخنف در باب خلافت ابوبکر..... ۷۹
- بیماری پیامبر و وفات ایشان ۷۹
- سقیفه بنی ساعده و بیعت با ابوبکر (رضی الله عنه) ۹۰
- جنگ‌های رده ۱۱۱
- آغاز فتوحات در عراق ۱۱۶
- فصل سوم: روایات ابومخنف در باب خلافت عمر و عثمان ۱۲۷
- روایات ابومخنف در مورد خلافت عمر ۱۲۷
- ساخت بصره ۱۳۰
- داستان شورا ۱۳۵
- داستان شورا نزد محدثین ۱۴۶
- خلافت عثمان ۱۵۵
- باب دوم روایات ابومخنف در مورد خلافت علی (ع) ۱۶۱
- فصل اول: «بیعت با او و تعیین والیان» ۱۶۳
- روایت ابومخنف در مورد بیعت با علی ۱۶۴
- ولایت قیس بن سعد بر مصر و آنچه میان او و معاویه اتفاق افتاد ۱۶۹
- ولایت محمد بن ابی بکر بر مصر ۱۸۰
- برانت محمد بن ابی بکر از خون عثمان ۲۰۳
- ولایت خلید یربوعی بر خراسان ۲۰۸
- خروج ابن عباس از بصره به مکه ۲۰۹
- فصل دوم: واقعه جمل ۲۱۳
- ام سلمه و ابوقتاده به کمک علی (ع) آمدند ۲۱۳
- اختلاف میان والی بصره و سپاه عایشه ۲۱۵
- نامه‌نگاری میان عایشه و زید بن صوحان ۲۱۶
- اقامت علی در ریزه ۲۱۷

- آمدن سپاه کوفه نزد علی(ع)..... ۲۱۸
- نبرد میان عمرو بن اشرف و حارث ازدی..... ۲۲۴
- پرچم داران سپاه علی(ع)..... ۲۲۵
- فصل سوم: جنگ صفین**..... ۲۲۹
- عبور علی(ع) از نهر به سوی صفین..... ۲۳۰
- نبرد میان پیش قراولان ارتش عراق و پیش قراولان شام..... ۲۳۲
- جنگ بر سر آب..... ۲۳۶
- نامه نگاری میان علی و معاویه و آغاز مبارزات..... ۲۴۲
- متارکه جنگ میان علی و معاویه و نامه نگاری آن‌ها به یکدیگر..... ۲۴۶
- ساماندهی سپاهیان و آغاز درگیری‌ها..... ۲۵۳
- نبرد میان دو لشکر..... ۲۶۷
- رقابت میان قبایل در امر نبرد..... ۲۷۷
- فصل چهارم: حکمیت و خروج خوارج**..... ۳۰۳
- حکمیت:..... ۳۰۴
- باقی مانده روایت شماره ۹۵:..... ۳۰۴
- بررسی روایات حکمیت..... ۳۲۱
- خوارج..... ۳۳۵
- بررسی روایات..... ۳۵۷
- حرکت خریث بن راشد..... ۳۶۷
- بررسی روایات..... ۳۸۶
- نتایج و یافته‌ها**..... ۳۸۹
- نتایج..... ۳۸۹
- فهرست منابع و مأخذ**..... ۳۹۳

مقدمه

تاریخ اسلام، تصویر عملی و جنبه تطبیقی اسلام و تعالیمش در قرون ابتدایی است؛ از همین رو دشمنان اسلام از گذشته تاکنون تمام تلاش خود را مبذول داشتند تا گرد کهنگی بر آن پاشیده و آن را محل شک و شبهه قرار دهند، تا این که خطا و اشتباه، شایع شد و موارد صواب و درست بر بسیاری از محققان مخفی ماند و کار به آن جا رسید که روایات صحیح برای برخی افراد عجیب و غریب به نظر می رسید؛ زیرا آن روایات را کم شنیده بودند و روایات دیگر مشهورتر شده و بیشتر نشر داده شده بود.

بنابراین، نیاز فوری احساس شد تا برای پاکسازی تاریخ مان از روایاتی که فاقد اصالت و صحت هستند، اقدامی عملی انجام شود؛ زیرا این ها روایاتی بود که اخباری ها آن را رواج داده و با روایات صحیح آمیخته بودند. سپس متاخران آمدند و تمامی این روایات را بنابراین که تاریخ ما هستند، فراگرفتند.

از این رو فریادها برای اقدام به ثبت دوباره تاریخ مان و تفکیک تاریخ اصیل از موارد منتسب به تاریخ و ضرورت نقد روایات و راستی آزمایی آن ها براساس رویکرد اصیل علمی، بلند شد.^۱

موضوع این رساله، تلاشی برای مشارکت در این پروژه عظیم است و آنچه مرا به انتخاب این موضوع برانگیخت، چندین امر بود که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱- علاقه ام به مشارکت در خدمت به تاریخ مان و پاکسازی آن بخش از تاریخ که با دسیسه ها و اباطیل آمیخته شده است و البته استاد راهنمایم نقش بزرگی در ارتقای این احساس در من بر عهده داشته اند.

۱. فقهای قرن چهارم و پنجم را متقدمین و فقهای قرون بعدی را متاخرین، می نامند (مترجمان).

۲. نک هینت ها و همایش های که در کتب (منهج کتبه التریخ الاسلامی) اثر المسلم ص ۱۱-۱۳ به آن پرداخته شده است.

۲- یک پژوهش خوب در رابطه با تاریخ، نیازمند نقد منابع است تا شناخت مبانی و اصول آن منابع و رویکردها و جهت‌گیری‌های مولفان آن، شناخته شود. همچنین نیازمند آن است تا هرچه را که می‌آوریم، به منبعش اسناد دهیم تا خواننده متوجه ارزش روایت و جایگاه و منزلت آن بشود.^۱

۳- این راوی (ابومخنف) که موضوع پژوهش ماست، به عادل بودنش خدشه وارد است و رویکردی انحرافی دارد. تعداد روایات او در تاریخ طبری، به حدود ششصد روایت می‌رسد که شامل بازه زمانی وفات پیامبر (ص) تا سال ۱۳۲ هـ می‌شود و عبارت است از زمان تشکیل امت اسلام و شکل‌گیری نظام‌های اسلامی و برپایی آشکار نخستین دولت اسلامی که نمونه‌ای پیروی شده و الگویی برای تمامی دوران‌های بعدی به شمار می‌رود. بنابراین شکی نیست که هرگونه تلاش برای مکدرنمودن چهره درست آن نه تنها موجب توقف تاثیرگذاری آن دوره بر تصور تاریخی نمی‌شود بلکه تاثیرات آن در گذر زمان، به سایر تلاش‌ها جهت پیگیری و اقتدا به آن، تسری خواهد یافت.

۴- ارائه خدمت به تاریخ طبری با توجه به اهمیت و ارزش علمی آن که منبع اصلی این شاخه علمی به حساب می‌آید و مورخان بعدی در رابطه با قرون ابتدایی که موضوع کتاب طبری است، آن را مرجع خود قرار می‌دهند.

۵- برترین دوره زمانی در تاریخ ما، قرنی است که رسول الله (ص) و صحابه گرانقدر او در آن زیسته‌اند؛ زیرا این دوره، چهره‌ای درخشان در تاریخ این امت به شمار می‌رود، روزگاری که پیشوایان مردم و بزرگان‌شان و حافظان و راویان دین در آن می‌زیسته‌اند و حقی که آن‌ها برگردن ما دارند، این است که زندگینامه و سیره آنان را از افزوده‌های نادرست و جعلی محافظت نماییم، اگرچه مشاجرات و جدل‌های میان صحابه از موضوعات موردپسند و دوست‌داشتنی نیست، اما در شرایطی که نویسندگانی غیرقابل اعتماد در حوزه دین و علم به این موضوعات پرداخته‌اند که در این راه، رویکردی جز آن‌چه از غربی‌ها برداشت کرده‌اند، ندارند و چیزی از اصطلاح حدیث و رویکردهای ناقدان مسلمان در تعامل با روایت نمی‌دانند، پرداختن به این موضوعات، امری واجب می‌گردد، به ویژه آن‌که برخی از علمای صالح گذشته، به مواردی پرداخته‌اند که

تحریف‌گران قدیمی نگارش کرده‌اند، از جمله: عبدالله بن الامام احمد^۱ و یحیی بن سلیمان الجعفی^۲ و ابن الدیزیل^۳.

گاهی گفته می‌شود که: عمل براساس این رویکرد در رابطه با تاریخ ما، به معنای چشم پوشی کردن از بخش بزرگی از آن تاریخ است، در حالی که علمای ما که تاریخ را تدوین نموده‌اند، در زمینه روایات تاریخی، این شروط سخت را قرار نداده‌اند.

به این کلام، این گونه پاسخ داده می‌شود:

۱- ده‌ها متن تاریخی در غیر از کتاب‌های تاریخی، از جمله در کتاب‌های حدیث، تفسیر، طبقات، زندگی‌نامه‌ها و غیره وجود دارد که امکان دارد در تمامی آن‌ها، درکنار تألیف روایات صحیح موجود در کتاب‌های تاریخ، مطالب گسترده تاریخی نیز به رشته تحریر در آمده باشد.

۲- مانیازی به روایات و وقایعی که مورد اعتماد نبوده و مستند نیستند، نداریم؛ زیرا هدف تاریخ، ثبت تجربیات صحیح انسانی به منظور بهره‌برداری مفید از آن‌ها در راستای آگاهی بخشی و هوشیار نمودن انسان نسبت به خودش، گذشته‌اش و جایگاهش در زندگی است و قبل از این موارد، شناخت زندگی و هدف آن و فهم این‌که زندگی، آن‌گونه که برخی پیروان مذاهب گمراه، ادعای کنند، پوچ و بیهوده نیست و هنگامی که بخواهیم در تجارب انسانی به دقت بنگریم، به ناپار باید بدون تزویر و ریاکاری، به بیان حقایق تاریخی اقدام نماییم، که در این صورت، پرداختن به روایات واهی، بی‌اساس یا جعلی معنایی ندارد؛ زیرا آن به گم شدن حقیقت مطلوبی که لازمه آگاه شدن انسان است، منجر خواهد شد.

۳- آسان‌گیری و تساهل علما در رابطه با روایات تاریخی به معنای این نیست که آنان، روایت هر شخص را هر قدر هم ضعیف، می‌پذیرفته‌اند؛ زیرا از نظر آن‌ها، میان

۱. کتاب (صفین) تألیف او است. ن. ک: تهذیب الکمال ۱۱۹/۱ و سیر أعلام النبلاء ۴۱/۲.

۲. الجعفی از شیوخ بخاری است که کتاب (صفین) از تألیفات او نیز هست. ن. ک: سیر أعلام النبلاء ۱۴۰/۳.

۳. او پیشوا، حافظ و مورد اعتماد، ابراهیم بن حسین همدانی، معروف به ابن دیزیلی است که در سال ۲۸۱ هـ درگذشت (سیر أعلام النبلاء ۱۳/۱۸۴). وی مولف کتاب (وقعة صفین) است که کتاب قطوری است. ن. ک: البداية و النهاية

روایت خبر با نسبت دادن آن به راوی خبر و پذیرش خبر تفاوت بزرگی وجود داشته است. شرط عدالت نزد راوی حدیث و خبر، به یک اندازه وجود داشته و آن چه موجب تساهل و آسان‌گیری در برخی موارد شده است، اعتقاد راسخ راوی و اطمینان او از چیزی است که روایت می‌کند، بوده است، از این رو در رابطه با نقل‌کننده تاریخ به اندازه راوی حدیث، شرط و شروط قرار داده نشده است.^۱

ملاحظات مهم برای پژوهشگر تاریخ

در اینجا موارد و ملاحظات چندی وجود دارد که از نظر من برای پژوهشگران حوزه تاریخ ضروری و لازم است:

اول: هرکس می‌خواهد درباره یکی از دوران‌های تاریخی مطلبی بنویسد، باید تمام ابعاد زندگی آن عصر، اعم از اخلاقیات، ویژگی‌ها، عادات و آداب و رسوم آن را ترسیم نماید، تا بتواند در مورد آن روزگار، حکم یا قضاوتی را صادر نماید و توانایی نقد روایات و متون پیش روی خود که مطابق با شرایط آن عصر یا در تعارض با عصر مورد مطالعه وی است را، داشته باشد.

بنابراین اشتباه است که نویسنده‌ای که در عصر جدید، یعنی دوره خودکامگی و فردگرایی زندگی می‌کند که در آن مصلحت فردی و شخصی بر مصالح امت مقدم است و اخلاقیات جایگاهی ندارند، این عصر را با دوره صدر اسلام، یعنی دوره درک و پذیرش مسئولیت و کنترل نفس در پیشگاه خداوند، در نهان و آشکار، دوره تلاش و سختی و ایثار جان و مال و فرزند در راه پیروزی امت و مصلحت آن و از خودگذشتگی هر جا که نیاز باشد، مقایسه کند.^۲

دوم: ضرورت درنگ و توقف نزد هر خبری و عرضه آن خبر بر سجایای روایی آن و این که آیا آن خبر یا آن چه از سیرت و صفات راوی‌اش شناخته است، هماهنگی دارد یا خیر؟ این امر، در رابطه با درک خبر و دانستن صحت آن از ضعفش کمک‌کننده است.^۳

۱. ن. ک: مصطلح التاريخ ص ۵۹ و صفحات بعدی، دراسات تاريخية ص ۲۶-۲۷.

۲. صادق عرجون در کتابش (خالد بن ولید)، ص ۱۰ به این مورد اشاره دارد.

۳. ن. ک: تعليق محب الدين الخطيب على العواصم، ص ۱۳۹.

سوم: مورخ نباید به نظر خودش پیرامون خبر اکتفا نماید، بلکه باید به ابعاد آن نیز پردازد؛ زیرا حکم کردن در مورد صحت یا ضعف یک خبر، که به در نظر گرفتن ابعادش وابسته است، به معنی انکار حقائق اثبات شده یا اثبات مواردی است که حقایق علمی آن رانفی می‌کنند و این رویکرد نقادانه‌ای است که علمای ما به آن اهتمام ورزیده و آن را بر برخی اخبار، تطبیق داده‌اند.

امام مالک در مورد کسانی که به عیججویی از صحابه می‌پردازند، می‌گوید: «این‌ها تنها اقوامی هستند که می‌خواهند از پیامبر (ص) عیب جویی کنند و چون قادر به این کار نیستند، از اصحاب و یاران او عیب جویی، می‌کنند تا بگویند او مرد بدی بوده است و اگر مرد خوبی می‌بود، قطعاً اصحابش نیز از زمره خوبان و صالحان می‌بودند»^۱. این سخن از جانب امام مالک بیانگر دیدگاه دوراندیشانه او به ابعاد خبر است، چراکه مساله فقط عیب جویی از صحابه نیست، بلکه ابعاد این عیب جویی به جایی خطرناک‌تر می‌رسد. از همین منظر، ابن تیمیه نیز گفته است: طعنه زدن و عیب جویی از آن‌ها - یعنی صحابه - عیب جویی نسبت به دین است^۲ و مثال‌ها در این رابطه، فراوان است.

چهارم: بررسی تاریخ صحابه همچون بررسی تاریخ دیگران نیست. صحابه دارای قدر و منزلتی هستند که هیچ‌کس در این جایگاه با آن‌ها برابری نمی‌کند؛ زیرا خداوند آن‌ها را برای همنشینی و همراهی پیامبر خود برگزیده و آن‌ها انتقال دهندگان دین اسلام هستند، بنابراین عیب جویی از آنان، عیب گرفتن بر کتاب خدا و سنت است. همچنان‌که ابو زرعه می‌گوید: «هرگاه کسی را دیدی که از اصحاب پیامبر (ص) عیب جویی می‌کند، یقین بدان که او زندیق است؛ زیرا پیامبر (ص) نزد ما بر حق است. قرآن نیز بر حق است و این قرآن و سنت را کسی جز اصحاب پیامبر (ص) به ما نرسانده است. آن‌ها می‌خواهند بر شاهدان و گواهان ما خدشه وارد کنند تا بدین وسیله بر کتاب و سنت، خط بطلان بکشند، در حالی که آنان خودشان به علت زندیق بودن، به عیب جویی سزاوارترند»^۳. البته معنی این سخن، اعتقاد به عصمت صحابه نیست، چراکه آن‌ها معصوم نبوده و انسان‌هایی معمولی بوده‌اند،

۱. الصارم المسلول، ص ۱۳۵.

۲. منهاج السنة ۱/۵.

۳. الکفایة فی علم الروایة، ص ۴۹.